



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

HomePage: <https://jhistory.um.ac.ir/>

Vol. 56, No.2: Issue 113, Autumn & Winter 2024-2025, p.55-82

Online ISSN: 2538-4341



Print ISSN: 2028-706x

Receive Date: 08-08-2024

Revise Date: 28-10-2024

Accept Date: 30-11-2024

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhistory.2024.89275.1321>

Article type: Promotional Article

Analyzing the Economic Capacities of Arts and Handicrafts During the Timurid Era (771-913 A.H./1392-1507 A.D.)

Dr. Masoomeh Samaei Dastjerdi, Department of Islamic Education, Farhangian University, P.O.Box 14665-889, Tehran, Iran

Dr. Vahid Abedinpoor Joshaghani (Corresponding Author), Department of Islamic Education, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Email: vahidabedy@med.mui.ac.ir

Abstract

The Timurid era marks an important and transformative period in the history of Iranian art. Both the quantity and the quality of artistic and handcrafted activities from the era underscore the need to explore the economic potential within this field. These capacities can be analyzed in three categories: production, commerce and employment, and income generation. The most significant aspects of the production category in this field are the establishment and construction of centers and institutions focused on the production of artistic and handcrafted goods, along with the diversity and variety of goods available in the market. In addition, the growing population of skilled workers in arts and handicrafts, coupled with the flourishing of related sectors such as agriculture, commerce, and transportation fostered greater employment opportunities and generated income. The commerce of artistic and handcrafted goods resulted in increased inter-city trade and decreased export of raw materials. The current study examines these developments employing a historical approach and using the narrative explanatory method.

Keywords: Timurid era, arts, handicrafts, economic capacities



©2025 The author(s). This is an open access article distributed under [Creative Commons Attribution](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



بررسی ظرفیت‌های اقتصادی هنر و صنایع دستی در عصر تیموریان (۷۷۱-۹۱۳ق)

دکتر معصومه سمائی دستجردی

گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران

دکتر وحید عابدین پور جوشقانی (نویسنده مسئول)

گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

Email: vahidabedy@med.mui.ac.ir

چکیده

دوره تیموریان مقطعی مهم و همراه با تحول در تاریخ هنر ایران به شمار می‌رود. حجم کمی و کیفی فعالیت‌های هنری و صنایع دستی صورت گرفته در این دوره، ضرورت واکاوی ظرفیت‌های اقتصادی در این زمینه را آشکار می‌سازد. ظرفیت‌هایی که در سه بخش تولید، تجارت و اشتغال و درآمدزایی قابل تبیین هستند. شکل‌گیری و ساخت مراکز و نهادهایی با محوریت تولید آثار هنری و صنایع دستی و تعدد و تنوع آثار و محصولات عرضه‌شده در بازارها، مهم‌ترین وجوه بخش تولید در این زمینه محسوب می‌شوند. همچنین افزایش جمعیت شاغلین دارای مهارت هنری و صنایع دستی و رونق فعالیت‌های مرتبط با آن اعم از کشاورزی، تجارت و حمل‌ونقل، بستر افزایش اشتغال و درآمدزایی را فراهم نمود. تجارت آثار هنری و صنایع دستی نیز نتایجی نظیر افزایش مبادلات بین شهری و کاهش صادرات مواد اولیه را به همراه داشت. مواردی که در پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی و با روش تبیین روایی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تیموریان، هنر، صنایع دستی، ظرفیت‌های اقتصادی.

مقدمه

ادوار تاریخی ایران معمولاً با تغییرات و گاه با تحولاتی همراه بوده‌اند که بر دیگر بخش‌های جامعه نیز تأثیر قابل توجهی نهاده‌اند. تحولاتی که سایر بخش‌های اجتماعی را به خود مرتبط و از خود متأثر ساخته‌اند. هنر و صنایع دستی در دوره تیموریان به دلیل بروز و ظهور تغییرات و تحولات کالبدی و فرمی و نوآوری‌های محتوایی از یک سو و تعدد و تکرر آثار از نظر کمی از سوی دیگر، موقعیت «هژمونیک» نسبت به دیگر مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یافت. چنان‌که به یکی از عناصر و ابعاد متمایز کننده این دوره تاریخی از دیگر ادوار قبل و بعد از خود مبدل گردید.

اگرچه بین هنر و صنعت تفاوت ماهوی و ظاهری وجود دارد؛ اما بین هنر و صنایع دستی در این زمان تاریخی، تفاوتی ملموس نیست. کاربرد ظرایف هنری در صنایع دستی و کاربردی شدن آثار هنری به مثابه صنایع دستی، ترکیب متنوع اما واحدی از این دو را به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر روح و روحیه هنری در دست‌ساخته‌های صنعتگران و بالعکس وجود ارزش‌های کاربردی آثار هنری به منظور رفع نیازمندی‌های اجتماعی، تجلی وفاق هنر و صنایع دستی در عصر تیموری‌اند. کتاب‌آرایی و صحافی نمونه‌ای از هنر-صنعت یا صنایع دستی این زمان است که از ترکیب هنرهای نقاشی، خوشنویسی، طلاکوبی، معرق‌چرم، تذهیب و تشعیر در ترکیب با صنعت مقواسبازی و چرم‌دوزی تولید می‌شد. به این ترتیب دارا بودن وجوه هنری (فرم‌ها، طرح‌ها و نقش‌مایه‌های تزئینی) عامل تمایز بین صنایع دستی و سایر صنایع فاقد ویژگی مذکور است. لازم به ذکر است که در دوره مورد نظر واژه «صنعت» مترادف با «صنایع دستی» است. به عبارتی «صنعت» در عصر تیموری همراه با وجوه هنری یا بدون آن‌ها به صنایع دستی اشاره دارد.

در مورد پیشینه تحقیق، تاکنون آثاری با عناوین مختلف در مورد هنرمندان و صنعتگران دوره تیموریان به نگارش در آمده است. در این زمینه می‌توان به آثاری اشاره نمود که توسط معصومه سمائی و وحید عابدین پور در این حوزه به نگارش در آمده‌اند. کتاب هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان، مقاله «جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان»، مقاله «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری» و مقاله «تبیین موقعیت ناهمگون هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان» از جمله آثار شاخص این دو نویسنده در این حوزه است. ویژگی اصلی این آثار، ماهیت و رویکرد اجتماعی داده‌های ارائه شده در آن‌ها، توجه به نقش و جایگاه قشر هنرمندان و صنعتگران در ساختار اجتماعی این دوره و استفاده از مفاهیم و اصطلاحات اجتماعی نظیر جایگاه، خاستگاه، قشر، طبقه و تعامل اجتماعی است. تمایز مهم مقاله حاضر با تحقیقات مذکور، رویکرد اقتصادی داده‌های ارائه شده در آن، بررسی ظرفیت‌های اقتصادی هنر و صنایع دستی به عنوان محصولات با بازدهی اقتصادی و استفاده از مفاهیم،

کلیدواژه‌ها و اصطلاحات اقتصادی نظیر تولید، تجارت، اشتغال و درآمدزایی است.

افزون بر این، تحقیقات دیگری با موضوع تجارت و اقتصاد در عصر تیموری انجام گرفته که فقدان توجه یا عدم تمرکز به مقوله هنر و صنایع دستی آن‌ها را از مقاله حاضر متمایز می‌سازد. تألیفات و مقالات محسن رحمتی با عنوان «حیات اقتصادی خراسان در عصر سلطان حسین بایقرا» و امیر تیمور رفیعی با عنوان «اقتصاد خراسان بزرگ در عهد تیموری» و حمید حاجیان‌پور و جوکار با عنوان «اقتصاد شهری یزد در دوره تیموریان» از این قبیل تحقیقات‌اند. شهرام فرحناکی نیز از معدود نویسندگانی است که در مقاله «وضعیت صنعت در خراسان و ماوراءالنهر عهد تیموریان» عمدتاً به معرفی صنایع این دوره منحصرراً در ناحیه خراسان بزرگ پرداخته است. وی همچنین در مقاله‌ای دیگر عوامل مؤثر بر تجارت را در این زمان و همین ناحیه بررسی می‌کند. عدم توجه به آثار هنری به‌عنوان محصولات با بازرگانی اقتصادی و عدم بررسی وضعیت صنعت در سایر شهرهای ایران در این دوره، وجه تمایز اصلی آثار این نویسنده با پژوهش حاضر است.

۱- تولید

تولیدات هنری و صنایع دستی در این دوره را می‌توان از چند منظر دسته‌بندی نمود: یکی به لحاظ نوع محصول که شامل ۱. منسوجات ۲. ظروف و اشیاء ۳. نسخه‌های خطی و کتاب‌آرایی ۴. هنر و صنایع وابسته به معماری بودند. دیگری به لحاظ کیفیت که به دو دسته تولیدات عامه‌پسند یا بازاری و تولیدات اشراف‌پسند یا درباری تفکیک می‌شدند که دسته اول در بازارهای داخلی و دسته دوم عموماً در مراکز وابسته به دربار تولید می‌شدند. به عبارتی تولیدات درباری وجوه هنری بیشتری نسبت به تولیدات بازاری داشتند.^۱ ورود اجباری یا اختیاری هنرمندان سایر نقاط نظیر چین، شام، شامات و عثمانی به قلمرو تیموریان،^۲ دسته‌ای دیگر از این تولیدات که مورد پسند بازارهای جهانی بودند را به دسته‌بندی فوق می‌افزاید.

از لحاظ کیفیت، ظرافت و زیبایی، تفاوت و تمایز بارزی میان تولیدات مزبور وجود داشت. این تفاوت تا حدود زیادی به میزان شهرت، ثروت، قدرت و شأن و منزلت اجتماعی مصرف‌کنندگان (مقتضیان) بستگی داشت. نگاهی به فهرست آثار تولیدی و مورد استفاده در دربار و مقایسه آن‌ها با آثاری که توسط سایر اقشار جامعه مورد استفاده قرار می‌گرفت، این تفاوت را به‌خوبی آشکار می‌سازد. ظروف مرصع، جامه‌ها و پارچه‌های ابریشمی و زربفت، کتبی با جلدها و اوراق مرصع و معرق، قالی‌های ابریشمی و

۱. یزدی، ظفرنامه، ۸۸۲/۱.

۲. کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ۲۸۵.

الوان، همه از وجود و کاربرد اشیای تجملی در دربار حکایت دارند.^۳ این در حالی بود که در شهرهای مختلف به منظور استفاده عموم و مشتریان غیردرباری، آثاری تولید می شدند که به لحاظ کیفیت در درجه پایین تری قرار داشتند. چنان که در دوره حاکمیت ابراهیم سلطان در شیراز، نساخان و کاتبان بی نام و نشانی وجود داشتند که نسخ و کتب دارای کیفیت نازل و ارزان قیمتی را برای طالبان علم از مردم عادی تولید می نمودند. نمونه دیگر ظروف مسی فاقد مرصع کاری بودند که مشتریان غیردرباری داشتند.^۴

به کارگیری مواد اولیه و مصالح گران قیمت در تولیدات درباری و اشراف پسند، عامل دیگری در تمایز آن ها با سایر آثار تولیدی به شمار می رفت. به همین سبب هم هنرمندان و صنعتگرانی که در کارگاه های سلطنتی یا در خانه فرد حامی فعالیت می کردند، تحت کنترل قرار داشتند.^۵ این کنترل در مورد هنرها و صناعی چون زرگری که مواد اولیه آن ها کمیاب تر و گران قیمت تر بودند، شدت می یافت، بدان خاطر که از تولید آثار تقلبی جلوگیری شود. دقت و ظرافت به کار رفته در این آثار نیز معمولاً فرایند تولید را طولانی می نمود. این دقت و ظرافت را در طلاکوبی ها و مهرکوبی های به کار رفته در جلدی مربوط به سال ۸۳۹ ق با ۴۳۰۰۰ مهر طلاکوبی به کار رفته می توان مشاهده نمود.^۶

کارگاه ها و کتابخانه های سلطنتی از مراکز اصلی تولید به ویژه تولید آثار هنری این دوره بودند.^۷ در این کتابخانه ها افزون بر نگهداری کتب، فعالیت های آموزشی و تولیدی نیز صورت می گرفت. این کتابخانه ها دارای بخشی به عنوان کارگاه بودند که این کارگاه ها خود به دو بخش صورت خانه و کتابت خانه تفکیک می شدند. کتابت نسخه ها، ترتیب و تنظیم مرقعات، کتیبه نویسی برای عمارات، نگارگری نسخه ها و تذهیب و تجلید آن ها برخی از فعالیت های، بود که در این کارگاه ها صورت می گرفت.^۸



شکل ۱: نمودار بخش های تولیدی کتابخانه های سلطنتی در دوره تیموریان

۳. واصفی، بدایع الوقایع، ۲/۲۵۷؛ شامی، ظفرنامه، ۸۰؛ جعفری، تاریخ جعفری، ۵۸.

۴. کنای، نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته فر، ۵۴.

۵. خواندمیر، مآثرالملوک، ۲۳۹.

۶. پوپ، سیر و صور نقاشی ایرانی، ترجمه یعقوب آژند، ۲۸۶.

۷. عابدین پور، الهیاری، «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری»، ۱۵۰.

۸. آژند، پیشگامان نگارگری و نستعلیق، ۲۸، ۳۳؛ بلر و بلوم، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، ۱۳۷.

بخشی از فضای بازار اعم از دکان‌ها و حجره‌ها و سراها و تیمچه‌ها نیز افزون بر عرضه محصولات و آثار هنری و صنعتی، به کارگاه‌های کوچک تولیدی مبدل شده بودند. به عبارتی تبدیل بازارهایی نظیر بازار هرات به یک فضای ترکیبی تولیدی - توزیعی از دیگر ظرفیت‌های اقتصادی هنر و صنعت این زمان است. خوشنویسانی که با عنوان کاتب یا وِزّاق^۹ در حجره‌ها و مغازه‌های خود به کتابت و نسخه‌برداری کتب مشغول بودند؛ مصداقی از این موضوع‌اند.^{۱۰} همچنین وجود برخی شواهد در این دوره حاکی از پیگیری و انجام فعالیت‌های تولیدی در فضاهایی خاص چون آرامگاه‌ها و بقاع است. فعالیت‌های نسخه‌برداری شیوخ فرقه کازرونیه^{۱۱} در بقعه شیخ ابواسحاق ابراهیم در شیراز خود مؤیدی بر این مطلب است. از جمله نسخه‌های تولید شده در این بقعه، مجلدی است شامل دو اثر ختمه نظامی و ختمه امیر خسرو که در سال‌های ۸۹۵ و ۸۹۶ ق نسخه‌برداری شده است.^{۱۲}

کارگاه‌ها و مراکز تولیدی این دوره به‌طور کلی به دو دسته کارگاه‌های ثابت و سیار تقسیم می‌شدند. هنرمندان و صنعتگرانی که در شهر یا محلی خاص دکان یا کارگاه ثابتی داشتند، فعالیت‌های خود را در آنجا پیگیری می‌نمودند؛ ولی دسته‌ای دیگر از صنعتگران این دوره سیار بودند؛ به عبارتی این دسته از هنرمندان در محل یا مکانی که به مهارت آن‌ها نیاز بود به کار مشغول می‌شدند. این امر بیشتر در مورد آثار بزرگی که قابل جابه‌جایی و حمل و نقل نبودند، صورت می‌گرفت. مخزن آبی که برای زیارتگاه خواجه احمد یسوی (د. ۵۶۲ ق) در ماوراءالنهر ساخته شد، قرآن بزرگی که عمر اقطع برای تیمور نگاشت و رحل قرآنی که به دستور الغ بیک در حیاط مسجد جامع سمرقند احداث گردید، همگی در زمره این آثار قرار داشتند.^{۱۳} در خصوص حجم آثار تولیدی در شهرهای مختلف در این دوره، آمار و ارقام خاصی وجود ندارد اما از گزارش‌های برخی منابع چنین برمی‌آید که نوع سفارش‌های مردم، تمرکز کارگاه‌های تولیدی و افزایش حجم نوع خاصی از تولیدات در برخی از نواحی، آن‌ها را به مراکز و کانون‌های خاص تولیدی و صنعتی بدل نموده بود.^{۱۴} درحالی‌که مرکزیت شماری از این شهرها منحصر به حرفه یا هنری خاص می‌گردید، شمار دیگری از آن‌ها در چندین حرفه یا هنر از مرکزیت برخوردار بودند.^{۱۵} قدمت و سابقه فعالیت‌های

۹. کسی که کاغذ را می‌برد و ورق می‌سازد.

۱۰. خوافی، منشأالانشاد، ۸۱/۱.

۱۱. فرقه کازرونیه که به نام‌های مرشدی یا اسحاقی نیز معروف است، پیروان ابواسحاق (۴۲۶ ق، شیراز) پیر فرقه مزبور بودند. کنبای، هنر و معماری صفویه، ترجمه مزدا موحد، ۸۲-۸۴.

۱۲. کنبای، هنر و معماری صفویه، ترجمه مزدا موحد، ۸۵، ۸۷.

۱۳. منشی قمی، گلستان هنر، ۲۶، ۲۵؛ عابدین‌پور، الهیاری، «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری»، ۱۵۸.

۱۴. باربارو و دیگران، سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، ۸۱، ۷۰؛ سمائی، عابدین‌پور، الهیاری، «تبیین موقعیت ناهمگون هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان»، ۹۶.

۱۵. ر.ک: جدول ۱.

هنری و صنعتی، شهرت، قابلیت و توانمندی بالای هنرمندان و صنعتگران و کیفیت و ظرافت آثار تولیدی در این مراکز، سبب ایجاد حجم وسیعی از سفارش ها برای این شهرها شده بود. این امر نیز به نوبه خود موجب افزایش میزان تولیدات و در نتیجه بالا رفتن نیاز روزانه کارگاه های تولیدی این مراکز به مواد اولیه می شد؛ چنان که کارگاه های بافندگی شهر یزد، روزانه دو خروار ابریشم دریافت می نمودند. این علاوه بر کشت پنبه و درختان توت و پرورش کرم ابریشم در داخل شهر یزد برای مصارف تولیدی بود.^{۱۶} جدای از شهر باسابقه یزد، شهرهایی مانند خراسان و هرمز از نواحی بودند که از قرن نهم هجری به مراکز اصلی تولید منسوجات تبدیل شدند.^{۱۷}

ردیف	نام مراکز	هنر و صنعت	منبع
۱	هرات	نساجی، کاشی سازی، کتاب سازی	زکی محمد حسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ۵۸
۲	شیراز	آهنگری، صحافی	ابن عربشاه، عجایب المقدور، ۲۴۹
۳	تبریز	سفالگری، نساجی، قالیبافی، صحافی	یزدی، ظفرنامه، ۸۴۷/۱
۴	اصفهان	نساجی، کاشی سازی	تاجبخش، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران، ۳۷۵
۵	یزد	نساجی، کاشی سازی	باربارو و دیگران، سفرنامه های ونیزیان در ایران، ۷۰
۶	کرمان	نساجی	سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ۲۲۷/۲
۷	سمرقند	صحافی، کاشی سازی	زکی محمد حسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ۵۸
۸	نیشابور	سفالگری، صحافی	کتابهای هنر و معماری صفویه، ۱۷۶
۹	کاشان	نساجی، سفالگری	باربارو و دیگران، سفرنامه های ونیزیان در ایران، ۸۱
۱۰	مشوشر	نساجی	یزدی، ظفرنامه، ۱۲۵۷/۲
۱۱	ولایت زره گران (واقع در پشت کوه البرز)	زره سازی	میرخواند، روضه الصفا، ۱۰۷۳/۶

جدول ۱: کانون های هنری و صنایع دستی در دوره تیموریان

۱۶. باربارو و دیگران، سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، ۸۲؛ کاتب، تاریخ جدید یزد، ۱۴۹، ۲۲۴؛ میرخواند، روضه الصفا، ۱۰۷۴/۶.
 ۱۷. میرخواند، روضه الصفا، ۱۰۷۴/۶.

۲- تجارت

۱- ۲- تجارت داخلی

بررسی بازارها، انواع آن‌ها، وسعت و موقعیت مکانی آن‌ها در یک شهر، اجزا و عناصر تشکیل دهنده و حتی نوع و شکل معماری آن‌ها (شکل و کالبد بازار)، از مسیرهای شناخت تجارت داخلی در دوره تیموریان از جمله ظرفیت‌های آثار هنری و صنایع دستی در این حوزه است. بازارهای این دوره به لحاظ تنوع به دو دسته بازارهای موقت (سیار) و دائمی (ثابت) قابل تفکیک اند. بازارهای موقت معمولاً در مقاطع زمانی خاصی برپا می‌شدند و در مقایسه با بازارهای دائمی دارای موقعیت مکانی ثابت و مشخصی نبوده و پاسخگوی نیازهای اقتصادی اقشار خاص و محدودتری بودند. «اردو بازارها» که به منظور تأمین نیازهای اقتصادی لشکریان حاضر در جنگ تشکیل شده بودند، در این دسته جای می‌گرفتند. هنرمندان و صنعتگران این بازارها، پیوسته اردوی شاهی را در لشکرکشی‌ها همراهی می‌کردند.^{۱۸} به هنگام برگزاری جشن‌ها و مراسم ویژه درباری نیز در خیمه‌ها و چادرهای سلطنتی، بازارهایی برای عرضه تولیدات هنرمندان به صورت موقت برپا می‌شدند. در هر چادر چندین غرفه تعبیه شده و کف این غرفه‌ها را با فرش می‌پوشاندند. معمولاً در هر غرفه‌ای، هنری خاص به نمایش در می‌آمد و تنوع محصولات عرضه شده، بر تعدد غرفه‌ها می‌افزود.^{۱۹}

بازارهای دائمی غالباً سرپوشیده و به لحاظ کالبدی دارای اشکال مختلف هندسی بودند. برخی از آن‌ها به صورت خطی و برخی دیگر به اشکال هندسی (مربع، مستطیل و دایره‌ای شکل) بنا شده بودند. بازار سمرقند در زمره بازارهای خطی این دوره است که توسط تیمور و در امتداد خیابانی در این شهر احداث شد. در دو سوی این خیابان، دکان‌هایی با دو اتاق قرار داشت که برخی از آن‌ها به هنرمندان و صنعتگران اختصاص داشتند.^{۲۰} بازار هرات نیز که در دوران شاه رخ مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت به صورت مربعی متساوی الاضلاع بود. دکان‌های این بازار نظیر بازار سمرقند، دو اتاق داشت؛ با این تفاوت که در هرات حجره‌ها بر روی دکان‌ها و در سمرقند در مجاور آن‌ها بنا شده بودند.^{۲۱}

در هر بازاری مجموعه‌ای از راسته‌های (مسیرها) اصلی و فرعی و تیم و تیمچه‌ها وجود داشت که هر یک متعلق به هنر و صنایع خاصی بودند. در این زمینه می‌توان به راسته طاقیه‌فروشان و راسته صحافان در بازار هرات یا تیمچه بزازان در بازار یزد اشاره نمود.^{۲۲} در حقیقت تنوع رشته‌های هنری و صنایع دستی سبب

۱۸. تاج‌السلمانی، شمس‌الحسن، ۱۸.

۱۹. باربارو و دیگران، سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، ۷۱؛ یزدی، ظفرنامه، ۱۲۶۸/۲-۱۲۶۲.

۲۰. کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ۲۸۱، ۲۸۲.

۲۱. سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ۱۳۲/۲.

۲۲. این تیمچه در سال ۸۰۵ق توسط خواجه غیاث‌الدین سالار سمنانی، از وزرای دوره تیمور، در یزد ساخته شد و مشتمل بر سی دکان بود. مستوفی باقی،

تفکیک و تقسیم بندی بازار به مسیرهای معین می شد که علاوه بر سهولت و افزایش عرضه و تقاضای کالا، تراحمات شغلی را نیز به حداقل می رساند.

تولیدات تخصصی برخی شهرها در این دوره باعث جذب بازرگانانی از نقاط مختلف به آن شهرها و شکل گیری روابط تجاری بین شهری شده بود. در این خصوص برخی شهرها عرضه کننده مواد خام و برخی دیگر صادرکننده مصنوعات و تولیدات بودند. چنان که شهرهای گیلان و استرآباد، صادرکننده ابریشم خام به نقاط مختلف و نواحی هرات، خراسان، ماوراءالنهر و یزد تولیدکننده پارچه های ابریشمی و مرکز فروش و عرضه این نوع پارچه ها به شمار می آمدند.^{۲۳} در شهر بلخ نیز پارچه های ابریشمی قرمز رنگی به نام «ترغو» تولید می شد که پارچه ای لطیف و گران بها به شمار می رفت. همچنین کارگاه های پارچه بافی هرات، پنبه را از مرو و پشم و پوست را از مرغاب تهیه می کردند. به همین ترتیب پرورش گوسفند پشم دار هراتی، منبع تأمین پشم برای کارگاه های نساجی خراسان بود.^{۲۴}

رونق تبادلات بین شهری، منجر به ایجاد سبک های تولیدی جدیدی معروف به «سبک های تجاری» به منظور فروش و سودآوری بیشتر گردید. ویژگی این سبک ها، سهولت و سرعت در تولید و کاهش کیفیت، ظرافت و ارزش هنری آثار بود. سبک تذهیب نسخه های خطی شهر شیراز در اواخر قرن ۹ ق همراه با طراحی های ساده و فاقد ظرافت های هنری از آن جمله اند.^{۲۵}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جامع مفیدی، ۱/۱۶۵؛ واصفی، بدایع الوقایع، ۲/۳۴۷.

۲۳. ر.ک: جدول ۲؛ سمائی، عابدین پور، الهیاری، «تبیین موقعیت ناهمگون هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان»، ۹۶.

۲۴. جویی، تاریخ جهانگشا، ۲۱۰؛ زمجی اسفزاری، روضات الجنات، ۱/۱۷۲.

۲۵. رابینسن، هنر نگارگری ایران، ۳۷، ۳۸؛ عابدین پور، الهیاری، «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری»، ۱۶۳.

ردیف	مبدأ	اقلام تجاری	مقصد	منبع
۱	شیراز	زره	تبریز	باربارو و دیگران، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۲۹۳
۲	استرآباد	ابریشم	یزد	باربارو و دیگران، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۸۲
۳	گیلان	ابریشم	سلطانیه	کلایخی، سفرنامه، ۱۶۶، ۱۶۷
۴	خراسان	پنجه، پارچه	سلطانیه	کلایخی، سفرنامه، ۱۶۶، ۱۶۷
۵	تبریز	سنگ مرمر	سمرقند	یزدی، ظفرنامه، ۸۴۸/۱
۶	گیلان	ابریشم	اصفهان	کلایخی، سفرنامه، ۲۸۶
۷	یزد	پارچه های ساتن	تبریز	بیکر، متسوجات اسلامی، ۱۱۸
۸	یزد	پارچه های ابریشمی	سمرقند	میرخواند، روضه الصفا، ۱۶/۱۰۷۴
۹	یزد	پارچه های ابریشمی	هرات	کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، ۲۲۴
۱۰	شیراز	تابوت فولادی	سمرقند	ابن عربشاه، عجایب المقصور، ۲۴۹
۱۱	اصفهان	کاشی هفت رنگ	هرات	زکی محمد حسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ۵۹
۱۲	شیراز	قالی	سمرقند	حافظ ابرو، ذیل ظفرنامه شامی، ۳۸
۱۳	قزستان	کتان	هرات	اوکین، معماری تیموری در خراسان، ۱۹
۱۴	یزد	پارچه	قم	باربارو و دیگران، سفرنامه های ونیزیان در ایران، ۱۳۹
۱۵	شیراز	پارچه	سلطانیه	حافظ ابرو، ذیل ظفرنامه شامی، ۳۸

جدول ۲: مسیرهای تجارت داخلی در دوره تیموریان (سمانی، عابدین پور، هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان: ۱۶۴)

۲-۲- تجارت خارجی

مکاتبات صورت گرفته میان سلاطین تیموری با رؤسای سایر کشورها در باب گشایش و یا گسترش راه‌های تجاری، پیگیری اهداف تجاری در خلال فعالیت‌های سیاسی و نظامی، اجرای سیاست‌هایی چون لغو مالیات تجار، ساخت و ترمیم کاروانسراها و تأمین امنیت راه‌ها، از جمله اقدامات مهم صورت گرفته در خصوص تجارت خارجی در عصر تیموریان هستند.^{۲۶}

در این دوره و به طور کلی در تاریخ میانه ایران، رابطه تنگاتنگی میان تجارت و صناعت وجود داشت و به همین سبب افرادی چون خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق) دو گروه تجار و صنعتگران را در یک رده با عنوان اهل معامله قرار داده‌اند.^{۲۷} نمونه‌ای از این رابطه و تأثیر و تأثر را در بومی سازی صنایع و هنرهای خارجی از جمله بومی سازی سفال چینی توسط خواجه محمد نقاش یا کتاب‌آرایی ایرانی در قلمرو عثمانی، می‌توان ملاحظه نمود.^{۲۸}

حجم انبوه تولیدات هنری و صنایع دستی در شهرها و مناطقی نظیر یزد، خراسان، هرات و ماوراءالنهر

۲۶. نوایی، مجالس النقایس، ۱۲۸، ۱۳۱؛ شامی، ظفرنامه، ۱۸۲، ۹.

۲۷. لمبتن، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، ۳۵۵.

۲۸. فرحناکی، «وضعیت صنعت در خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان»، ۷۷.

علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، پاسخگوی تقاضای خریداران خارجی نیز بود.^{۲۹} چنان که تولیدات پارچه بافان و همین طور نسخ خطی مُدّه بان، صحافان و خوشنویسان نواحی ماوراءالنهر و خراسان در بازارهای مهم داخلی و خارجی نظیر بازار سلطانیه و بازار بورس در عثمانی شهرت و خریداران زیادی داشت.^{۳۰}

چین مهم ترین شریک تجاری ایران در این زمان محسوب می شد و مبادلات با این کشور در حجمی وسیع در جریان بود. این کشور علاوه بر اینکه از صادرکنندگان عمده کالاهای مختلف به دیگر کشورها محسوب می شد، خود از خریداران و واردکنندگان صنایع ایرانی نظیر منسوجات به شمار می رفت.^{۳۱} تجارت با این کشور از چنان وسعت و اهمیتی برخوردار بود که حتی در دوره تیمور با وجود تیرگی روابط سیاسی با این کشور، دادوستد با آن همچنان ادامه داشت.^{۳۲} علاوه بر چین، سرزمین هایی از سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا همچون عثمانی، هند، شامات، یمن، مصر، مغرب، ایتالیا، فرانسه و انگلستان از شرکای تجاری ایران در این دوره محسوب می شدند. اقلام تجاری عمده صادر شده به این مناطق شامل منسوجات، ابریشم خام، قالی، ظروف سفالین و نسخ خطی بودند که در این میان، منسوجات سهم بیشتری را به خود اختصاص داده بودند؛ کالایی که کشورهای اروپایی به ویژه زمانی که با چاشنی نوآوری آمیخته می شد، از خریداران عمده آن محسوب می شدند.^{۳۳} از این دست آثار می توان به «پارچه ارمک» در دوره سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ق) اشاره کرد که برای اولین بار در خراسان و توسط جلال الدین و پسرش کمال الدین ارمک باف بافته شد و در بازارهای عثمانی هم مشتریانی پیدا کرد.^{۳۴} «پارچه پشمی سقرلات»، «پارچه رنگی کمخا»، «پارچه ابریشمی ترغو»، «پارچه ای به نام مله و پارچه خود رنگ از قهستان» از دیگر پارچه های نوپدید با ظرفیت صادرات خارجی در خراسان و ماوراءالنهر بودند.^{۳۵} افزون بر این، نسخ خطی ایران به ویژه آثار استادان بزرگی چون سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی در کشورهای هم جوار به ویژه عثمانی و هند طالبان و خریدارانی داشت، به طوری که حتی در میان دولتمردان این کشورها کسانی وجود داشتند که حاضر به پرداخت هزینه های گزافی برای خریداری این آثار بودند.^{۳۶}

۲۹. عابدین پور، الهیاری، «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری»، ۱۴۶.

۳۰. فرحناکی، «وضعیت صنعت در خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان»، ۷۱.

۳۱. کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، ۲۸۶.

۳۲. حسینی تربتی، تزوینات تیموری، ۲۱۴؛ کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، ۲۸۶.

۳۳. ر. ک: جدول ۳.

۳۴. واصفی، بدایع الوقایع، ۵۰/۱.

۳۵. فرحناکی، «وضعیت صنعت در خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان»، ۷۱.

۳۶. عالی افندی، مناقب هزوران، ترجمه توفیق سبحانی، ۷۴، ۱۸.

ردیف	اقلام صادراتی ایران	مناطق و کشورهای وارد کننده	منبع
۱	نسخ خطی، یراق آلات، ابریشم	عثمانی	باربارو و دیگران، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۲۹۷
۲	منسوجات، ابریشم خام	شام	کاوسی، تیغ و تنبور، ۲۹۱
۳	منسوجات، نسخ خطی	هند	رابینسن، هنر نگارگری ایران، ۶۵
۴	منسوجات	چین	رابینسن، هنر نگارگری ایران، ۶۵
۵	منسوجات	روسیه	رابینسن، هنر نگارگری ایران، ۶۵
۶	منسوجات، قالی	ایتالیا	تاجبخش، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران، ۳۷۷
۷	منسوجات	ترکستان	باربارو و دیگران، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۸۲
۸	منسوجات	فرانسه	بوات، تاریخ مغول تیموریان، ۱۶۴
۹	ظروف سفالین	داغستان (در منطقه قفقاز)	جکسون و لاکهارت، تاریخ ایران کمبریج، ۳۴۹/۶
۱۰	منسوجات	انگلستان	بوات، تاریخ مغول تیموریان، ۱۶۴
۱۱	ظروف سفالین	شرق آفریقا	تاکستن و دیگران، تیموریان، ۶۶
۱۲	منسوجات	یمن	Pires, The sama oriental of Tome Pires, 21

جدول ۳: فهرست برخی از اقلام هنری و صنایع دستی صادراتی ایران در دوره تیموریان (سمانی، عابدین‌پور، هنرمدان و صنعتگران در

دوره تیموریان: ۱۶۷)

طبعاً در خلال این روابط علاوه بر صدور کالاهایی به خارج از ایران، اقلامی نیز به آن وارد می‌شدند. آمار و ارقام موجود در این خصوص نشان می‌دهد که افزون بر کالاهای ساخته شده‌ای چون ظروف سفالین، منسوجات و شمشیرهای زرین، مواد خام و اولیه‌ای همچون کتان، پوست و خز که در ساخت و تولید آثار گوناگون مورد استفاده قرار می‌گرفتند، مهم‌ترین اقلام وارداتی به کشور را تشکیل می‌دادند. در این رابطه گاه برخی از ابزار و ادوات لازم برای خلق آثار هنری همچون کاغذ، رنگ و قلم‌های خوشنویسی نیز به کشور وارد می‌شدند.^{۳۷} چنان‌که در دوره مذکور کاغذ مورد نیاز در زمینه هنر کتاب‌سازی از چین وارد می‌گردید.^{۳۸}

در صحافی کتاب‌ها و نسخ خطی نیز از چرم قهوه‌ای رنگی که از مغرب وارد کشور می‌گردید، استفاده می‌شد.^{۳۹} همچنین منابع این دوره اشاره‌های متعددی به کاربرد دیبای^{۴۰} چینی، اطلس^{۴۱} رومی، کمخاب^{۴۲} فرنگی،

۳۷. ر.ک: جدول ۴.

۳۸. مایل‌هروی، کتاب‌آزایی در تمدن اسلامی، ۷۶، ۷۴۷.

۳۹. سودآور، هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید شمیرانی، ۷۱.

۴۰. پارچه ابریشمی رنگین و نفیس؛ مشیری، فرهنگ زبان فارسی، «دیبا».

۴۱. پارچه ابریشمی پرزدار؛ دهخدا، لغت‌نامه، «اطلس».

۴۲. پارچه ابریشمی پرزدار؛ دهخدا، لغت‌نامه، «اطلس».

سمائی دستجردی، عابدین پور جوشقانی؛ بررسی ظرفیت های اقتصادی هنر و صنایع دستی .../۶۷

کشان روسی، ظروف چینی و شمشیرهای زرین مصری و هندی در مجالس و مراسم درباری دارند.^{۴۳} چینی خانه الغبیک در سمرقند نمونه ای از این موارد است که مصنوعات موجود در آن در طول چندین سال از چین وارد شده بود.^{۴۴}

ردیف	اقلام وارداتی به ایران	مناطق و کشورهای صادرکننده	منبع
۱	ظروف چینی، منسوجات، ابریشم، کاغذ، یاقوت	چین	کلاویخو، سفرنامه، ۲۲۷
۲	کشان روسی، پوست، خز	روسیه	نظری، منتخب التواریخ، ۴۰۰
۳	شمشیرهای زرین، قلم های خوشنویسی	مصر	یزدی، ظفرنامه، ۱۰۵۰/۲
۴	شمشیر، منسوجات	هند	یزدی، ظفرنامه، ۵۳۹/۱
۵	چرم	مغرب	سودآور، هنر دربارهای ایران، ۷۱
۶	سنگ یشم	مغولستان	دانی، میراث تیمور، ۸۷
۷	مخمل، رنگ، کمخاب	فرانسه	سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ۹۱۲/۲
۸	رنگ (شگرف)	عثمانی	مایل هروی، کتاب آرایه در تمدن اسلامی، ۶۸۷
۹	فلز قلع، منسوجات	کشورهای جنوب شرق آسیا	وارد، فلزکاری اسلامی، ۲۸
۱۰	منسوجات	قبرس	نظام قاری، دیوان البیسه، ۱۴
۱۱	منسوجات	یمن	نظام قاری، دیوان البیسه، ۵۹

جدول ۴: فهرست برخی از اقلام هنری و صنایع دستی وارداتی به ایران در دوره تیموریان

(سمائی، عابدین پور، هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان: ۱۶۸)

تجارت آثار هنری و صنعتی در این دوره از دوره خشکی و دریا صورت می گرفت. عمده ترین راه خشکی تجارت جهانی «راه ابریشم» بود. کانون های تجاری این راه شامل چین و شرق دور، مغولستان، ترکستان و ماوراءالنهر، خراسان، خوارزم، دشت قبیچاق، فارس، کرمان، عراق عجم، آذربایجان، عراق عرب، آسیای صغیر، سوریه و اروپا بود. تیمور با اقدامات نظامی در خوارزم و دشت قبیچاق، مسیر تجارت شمال دریای خزر به دریای سیاه را تغییر داد و مجدد مسیر اصلی راه ابریشم که از سمرقند به سلطانیه عبور می کرد را رونق بخشید.^{۴۵} مسیرهای فرعی در کنار این مسیر شامل مسیر خراسان به چین از طریق مغولستان و کاشغر و ختن، مسیر سمرقند به هند، مسیر قندهار به دیاربکر و مسیر هرات، کابل به هند نیز وجود داشتند. در این میان، مسیر خراسان به چین و مسیر غرب به دیاربکر با اهتمام بیشتری از نظر ساخت امکانات امنیتی و خدماتی مراقبت می شدند. آثار هنری و صنایع دستی نظیر منسوجات و ظروف

۴۲. جامه ای که رنگارنگ بافته شده است. زمجی اسفزاری، روضات الجنات، ۱۳۵/۲.

۴۳. یزدی، ظفرنامه، ۵۳۹/۱، ۹۷۳.

۴۴. سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ۶۶۱/۲؛ زمجی اسفزاری، روضات الجنات، ۱۴۴/۲.

۴۵. سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ۵۱۳، ۵۱۴/۲؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، ۶۷/۲.

سفالین و مواد اولیه آن‌ها از جمله یاقوت، لعل و به‌ویژه ابریشم در بستر این مسیرها به مناطق دیگر ارسال می‌شدند. سمرقند و هرات، سلطانیه و تبریز به تناوب مرکز ثقل تجارت اقلام مذکور از شرق به غرب بودند.^{۴۶}

دومین شبکه تجاری عمده در این دوره که نظیر راه ابریشم از قدمتی طولانی برخوردار بود، «راه دریایی ادویه» نام داشت. این راه از سواحل جنوبی چین آغاز می‌شد و از طریق سواحل هندوستان، سیلان و خلیج فارس به دریای سرخ و نهایتاً به بندر اسکندریه منتهی می‌گردید. هرمز به‌عنوان مرکز تجاری خلیج فارس، راه خروجی و ورودی کالا میان این حوزه گسترده با خشکی‌های کهن آسیا و اروپا به شمار می‌آمد.^{۴۷} این بندر افزون بر پیوند با راه دریایی ادویه، با کانون‌های تجاری راه ابریشم نیز در ارتباط بود. به‌طوری‌که تجارت شام، روم، آذربایجان و عراق عجم از مسیر شیراز و بازرگانی شمال و شمال شرقی یعنی ماوراءالنهر، ترکستان، دشت قپچاق و چین شمالی از طریق خراسان، کرمان و تا حدودی یزد با هرمز صورت می‌گرفت. در واقع هرمز نه تنها بندرگاهی حیاتی برای سفرهای دریایی به شمار می‌رفت؛ بلکه نقطه‌ای بود که در آن تجارت دریایی و خشکی با هم تلاقی می‌نمودند.^{۴۸}

علاوه بر این موارد، تعداد زیادی از افراد در قالب کاروان‌های تجاری، با حیوانات باربر خود برای انتقال آثار هنری از ایران به سایر نقاط به‌ویژه آناتولی فعالیت می‌نمودند. در این باره در اسناد تجاری این دوره به اجاره حیوانات باربر توسط تجار در منطقه توقات اشاره شده است.^{۴۹} بدین ترتیب علاوه بر راه‌های دریایی، بخش حمل‌ونقل جاده‌ای نیز در این حوزه فعال بود.^{۵۰}

۳- اشتغال و درآمدزایی

۱- ۳- اشتغال

در دوره مذکور، عوامل مختلفی چون توجه و حمایت حکومت و اقشار صاحب ثروت از فعالیت‌های هنری و صنایع دستی، ایجاد مراکزی نظیر کارگاه‌ها و کتابخانه‌های سلطنتی و عمومی برای انجام این فعالیت‌ها و افزایش تقاضای داخلی و خارجی برای این گونه آثار سبب شد اقشار و گروه‌های بسیاری به فراگیری و انجام این فعالیت‌ها روی آورده و در نتیجه فرصت‌های شغلی فراوانی برای این افراد در حوزه

۴۶. کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ۲۸۶؛ جکسون و لاکهارت، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه تیمور قادری، ۱۷۸/۶.

47. Barbosa, A description of the coast of Africa and Malabar, 41-43.

۴۸. کاوتس و پتاک، هرمز در منابع دوره‌های یوآن و مینگ، ترجمه مهرداد وحدتی، ۵۸-۶۰.

۴۹. دین‌پرست، «کانون‌های تجارت ابریشم ایران در دوره تیموریان و ترکمانان»، ۲۰.

۵۰. منز، قدرت و سیاست و مذهب در عصر تیموریان، ترجمه حسن اسدی، ۲۸۲.

تولید این آثار به وجود آید. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می شود که بدانیم در این دوره هر هنر خود دارای چندین زیر شاخه بوده و همین امر فرصت انتخاب را برای افرادی با سلاقی و توانایی های متفاوت فراهم می نمود. از جمله هنر نقاشی که دارای زیر شاخه هایی چون نقاشی روی کاغذ، نقاشی دیواری، نقاشی روی شیشه و نقاشی روی مس و پارچه بود.^{۵۱} از سوی دیگر از آنجا که خلق و تولید برخی آثار، کاری جمعی را می طلبید، بعضاً در تولید یک اثر افراد متعددی به کار گرفته می شدند. در دوره تیموریان هنرهایی چون معماری، کتاب سازی و کتاب آرای و نساجی از چنین خصلتی برخوردار بودند. در هنر معماری به هنگام احداث یک بنا افرادی چون استاد، بنا، طیان،^{۵۲} کاشی تراش، فخر،^{۵۳} حجار، نجار، جصاص،^{۵۴} حداد، نقار^{۵۵} و نقاش مشارکت داشتند.^{۵۶} بدیهی است این استادکاران به همراه خود، شاگرد و عمله غیر ماهر را هم نیاز داشته و زمینه اشتغال آن ها را هم فراهم می کردند. یا صنایع نساجی که شامل زیر شاخه هایی چون: ابریشم بافی، فوطه بافی، شعر بافی، خیمه دوزی، والابافی، بوریابافی، مخمل بافی و ارمک بافی می شد و هر کدام از این شاخه ها خود به زیر شاخه های متعدد دیگر تقسیم می شدند. چنان که در شهر یزد همه به کار تولید منسوجات از کاشت پنبه و پرورش کرم ابریشم تا بافت پارچه سرگرم بودند.^{۵۷} با این وصف، بدیهی است، خلاقیت هنری به دنبال خود حجم وسیعی از اشتغال را به همراه داشت.

در این دوره همچنین تهیه مواد اولیه و ابزار و ادوات کار هنری، زمینه افزایش اشتغال را فراهم نمود. در این رابطه تولید پشم، پوست، پنبه، نی و به ویژه ابریشم مورد نیاز در صنعت نساجی، فعالیت در بخش کشاورزی و دامپروری را در برخی شهرها نظیر اصفهان، استرآباد و گیلان و یزد رونق داد.^{۵۸} ورود روزانه دو خروار ابریشم از گیلان و استرآباد به کارگاه های نساجی شهر یزد مؤید این مطلب است.^{۵۹} نیاز کتابخانه های سلطنتی و کارگاه های کتاب سازی در شهرهای مختلف به موادی چون کاغذ، رنگ، مرکب و غیره نیز به رشد صنایعی چون کاغذ سازی، مقواسبازی، رنگ سازی، مرکب سازی و فعالیت های مرتبط با این

۵۱. ابن عربشاه، عجایب المقدور، ترجمه محمد علی نجاتی، ۳۱۴؛ کاتب، تاریخ جدید یزد، ۱۰۹، ۲۲۷.

۵۲. بنایی که با خشت خام کار می کند، گل کار.

۵۳. سفالگری که در تهیه همه نوع سفال برای پوشش کار می کند.

۵۴. گچ کار.

۵۵. قلم زن یا کنده کار.

۵۶. گلمبک و ویلبر، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، ۱۰۵؛ سمائی، عابدین پور، هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان، ۱۷۱.

۵۷. ابن عربشاه، عجایب المقدور، ترجمه محمد علی نجاتی، ۳۱۴؛ کاتب، تاریخ جدید یزد، ۱۰۹؛ حاجیان پور و جوکار، «بررسی اقتصاد شهری یزد در دوره تیموریان»، ۸.

۵۸. میرخواند، روضه الصفا، ۱۱۵/۶.

۵۹. باربارو و دیگران، سفرنامه ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، ۸۲.

صنایع چون برش چوب، تبدیل مواد خام به مواد حالت پذیر کمک نمود.^{۶۰} به همین ترتیب نیاز کارگاه‌های صنایع دستی از نوع فلزی هرات، سبب رونق معادن آهن، سرب، طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی مناطق حاشیه هریود، کרוخه و خراسان و مشاغل مرتبط با این حوزه گردید.^{۶۱}

بالطبع با رشد فعالیت‌های تولیدی در بخش هنر و صنعت، حرف مرتبط با آن در بازار نیز رونق یافتند و بدین ترتیب فرصت‌هایی برای کسب درآمد ایجاد شد. وجود مشاغلی چون کتاب‌فروشی، سالو فروشی، فوطه‌فروشی، دوات‌فروشی و پیراهن‌فروشی در بازارهای هرات در این دوره، شاهدی بر این امر است.^{۶۲} علاوه بر بازار داخل، بخشی از اشتغال ایجاد شده در تجارت خارجی هم معلول این امر بود. هر چند این فرایند رواج مشاغل کاذبی چون دلالی را به همراه داشت. به‌طوری‌که در عثمانی دلالان اقدام به خرید آثار هنرمندان گمنام نموده و سپس با جعل امضای هنرمندان معروفی چون میرعلی هروی بر روی این آثار، آن‌ها را به بهای گزافی به افراد علاقه‌مند و بی اطلاع می‌فروختند.^{۶۳}

تولید و توزیع آثار هنری و صنایع دستی، سبب به کارگیری جمعیت قابل توجهی در بخش حمل و نقل این آثار نیز گردید. فزونی تعداد اصطبل‌ها در کاروانسراهای این دوره، از تعداد قابل توجه چهارپایان وارد شده به این کاروانسراها، حجم وسیع مال‌التجاره‌های حمل شده توسط آن‌ها و در نتیجه حمل و نقل گسترده در این زمینه حکایت دارد.^{۶۴}

نیاز برخی از نهادهای سیاسی و اجتماعی نظیر دیوان‌ها و مراکز آموزشی به صاحبان مهارت در فنون هنری و صنایع دستی نیز منجر به اشتغال این افراد شد. خوشنویسان از جمله هنرمندانی بودند که با عنوان کاتب و منشی بیشترین حضور اداری را نسبت به سایرین داشتند.^{۶۵}

آموزش از دیگر بخش‌های اشتغال‌زای هنر و صنایع دستی بود. در اسناد و منابع این دوره گزارش‌های متعددی در باب فعالیت‌های آموزشی هنرمندان و صنعتگران در مدارس و کتابخانه‌ها وجود دارد.^{۶۶} در بسیاری از موارد شاگردان این استادان به‌عنوان دستیار و پس از کسب مهارت‌های لازم به‌عنوان استاد مشغول به کار می‌شدند.^{۶۷} ابداعات هنری یکی از عواملی بود که ضرورت چنین آموزش‌هایی را به وجود

۶۰. مایل هروی، کتاب‌آزایی در تمدن اسلامی، ۷۷۲، ۸۰۴؛ فدایی، «بررسی آثار قرآنی دوره تیموری»، ۵۵.

۶۱. زمجی اسفزاری، روضات الجنات، ۱۰۵/۱.

۶۲. نظامی باخزری، مقامات جامی، ۳.

۶۳. عالی افندی، مناقب هنروان، ترجمه توفیق سبحانی، ۷۵، ۷۴.

۶۴. اوکین، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، ۴۸.

۶۵. سمانی، الهیاری، «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان»، ۸۹-۸۸.

۶۶. سمانی، الهیاری، «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان»، ۹۸.

۶۷. خوافی، منشأالانشاء، ۱۲۵/۱، ۲۵۷، ۲۷۰.

می آورد. این ابداعات از یک سو باعث کاستن از هزینه ها و سرعت و سهولت در انجام کار می شدند و از سوی دیگر رابطه قوی و مستقیمی با ایجاد اشتغال داشتند. این اشتغالزایی عمدتاً در دو بخش ۱- آموزش تخصص ها و فنون جدید ۲- آموزش نحوه اجرا و به کارگیری آن ها صورت می گرفت. «مولانا دانشمند» یکی از افرادی است که در جایگاه مقدم و کلاتر پوسترین دوزان از طرف حکومت مأمور ترویج آموزش این صنعت و نظارت بر آن شد.^{۶۸} به همین ترتیب یک ابداع جدید، خود موجب شکل گیری خلاقیتهای دیگر و در نتیجه مشاغل جدیدتر و افزون تری می گردید. در این دوره ابداعات متعددی در زمینه هنرهای مختلف صورت گرفت که از آن جمله تولید کاشی های هفت رنگ و جایگزینی آن به جای کاشی های معرق بود. تولید این کاشی ها علاوه بر صرفه جویی در هزینه و وقت و سرعت و سهولت در فرآیند تولید، به افزایش جمعیت شاغل در شغل کاشی سازی و کاشی کاری انجامید. هنر «ترصیع» نیز از جمله ابداعات تزیینی بر روی آثار فلزی این دوره بود که سبب رونق این نوع تولیدات و به تبع آن، افزایش شاغلین آن گردید. پنجره فولاد تقدیمی شاهرخ به حرم امام هشتم (ع) از این دست آثار است.^{۶۹}

۲-۳- درآمدزایی

از دیگر وجوه اقتصادی در باب فعالیت های هنری و صنایع دستی این دوره، میزان درآمدزایی این فعالیت ها و حرف وابسته به آن است. بررسی میزان مالیات دریافتی از این فعالیت ها، یکی از مسیرهای مهم پی جویی این امر به شمار می رود. بنا به عقیده بسیاری از محققین، مالیات بر صناعت و تجارت یعنی تمغا، درآمدزاترین نوع مالیات در این دوره به شمار می آمد و حکومت توجه ویژه ای به این نوع مالیات داشت.^{۷۰} از دو نوع تمغای موجود، نوعی از تمغا مختص محصولات تولیدی بخش صنعت بود که از تولیدکنندگان آثار هنری و صنایع دستی اخذ می شد و نوعی دیگر، مختص اجناس و کالاهای تجاری بود که به تجار تعلق داشت.^{۷۱} به رغم مغایرت تمغا با شریعت اسلام و مخالفت روحانیون با اخذ آن، اغلب فرمانروایان تیموری حاضر به لغو یا صرف نظر کردن از آن نبودند. حتی فرمانروایی چون شاهرخ که خود را ملزم به رعایت امور شرعی نشان می داد نیز به منظور کاستن از این مخالفت ها، تنها با یک تغییر واژگانی آن را زکات خواند و پا را از آن فراتر نهاد.^{۷۲} همین سودآوری سبب گردید تا حکامی چون الغ بیگ اولویت درآمدهای خزانه خود را بر اخذ این نوع مالیات قرار داده و نسبت به سایر مالیات ها همچون مالیات ارضی کم توجهی نشان

۶۸. خوانی، منشأالانشاء، ۲۶۵/۱.

۶۹. حافظ ابرو، زبده التواریخ، ۶۹۲/۲.

۷۰. اوکین، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، ۲۵.

۷۱. فرخناکی، «وضعیت صنعت در خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان»، ۷۸.

۷۲. رویمر، ایران در راه عصر جدید، ترجمه آذر آهنچی، ۱۸۴، ۱۸۵.

دهند.^{۷۳} هنگام اخذ این مالیات، مأموران وصول آن یعنی تمغاچیان، مهر و علامت مخصوصی به مال التجاره و کالاها می‌زدند که مجوز فروش را برای فروشنده آن صادر می‌کرد. جامی به زبان نظم خطرات ناشی از فروش کالا خارج از نظارت تمغاچیان را این‌گونه بیان می‌کند:

فی المثل گریکی از عام الناس	بفروشد سه چار گز کرباس
خالی از داغ صاحب تمغا	در همه شهر افکند غوغا
سازد او را نکرده هیچ گناه	پشت و پهلوی به ضرب درّه سیاه ^{۷۴}

در باب میزان مالیات تمغا، آمار و ارقام دقیقی در منابع این دوره وجود ندارد. اما از گزارش‌های پراکنده موجود در منابع چنین استنباط می‌شود که این مالیات به تفاوت از ۲/۵ درصد، ۵ درصد تا ۱۰ درصد اخذ می‌شده است.^{۷۵} بدین ترتیب میزان تمغا در قلمرو تیموریان، مبلغ ثابتی نبود و بسته به فرمان و نظر حاکم وقت و وضعیت صناعت و تجارت تغییر می‌یافته است.^{۷۶} به این میزان مالیات، عوارض راهداری را نیز باید افزود که تحت عنوان باج از تجار، از جمله تاجران آثار هنری و صنایع دستی اخذ می‌شد و حکومت به این واسطه از تولیدات هنرمندان و صنعتگران به سود قابل توجهی می‌رسید. از دیگر عواید حکومت تیموری، مالیات غیر نقدی (جنسی) بود که معمولاً اجناس گران‌بهایی از این راه وارد خزانه می‌گردید. آثار هنری و صنعتی بخشی از این مالیات محسوب می‌شدند. چنان‌که در دوره سلطان حسین بایقرا، بخش عمده‌ای از مالیات غیر نقدی مردم را آثاری چون کتب نفیس، چینی‌های فغفوری، قالی‌های ابریشمی، خیمه‌های منقش و منسوجات گران‌بها تشکیل می‌دادند.^{۷۷}

در مواردی نیز سلاطین و حکام تیموری با پرداخت غیر نقدی بخشی از پاداش و دستمزد امرا و سایر ارکان دولت، درصدد جلوگیری از خالی شدن خزانه خود و خروج وجه نقد از آن بودند. در چنین مواردی، آثار هنری و صنعتی جایگزین مناسبی به جای وجه نقد می‌آمد.^{۷۸} چنان‌که شاهرخ در سال ۸۲۰ ق پاره‌های زردوزی شده و پوستین‌های طلادوزی را در ازای پاداش به لشکریان خود اعطا نمود.^{۷۹} تیمور نیز به امرا و لشکریانی که در سال ۷۹۳ ق در لشکرکشی به دشت قیچاق حضور داشتند، علاوه بر وجه نقد،

۷۳. جعفری، تاریخ جعفری، ۶۶؛ منز، قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان، ترجمه حسن اسدی، ۴۴۹.

۷۴. جامی، مثنوی هفت اورنگ، ۱۰۳.

۷۵. اوکین، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، ۳۲.

۷۶. دین پرست، «کانون‌های تجارت ابریشم ایران در دوره تیموریان و ترکمانان»، ۱۵.

۷۷. خواندمیر، دستور الوزراء، ۴۱۵؛ شامی، ظفرنامه، ۱۸۰؛ ابن عربشاه، عجایب المقدور، ترجمه محمد علی نجاتی، ۱۵۷.

۷۸. سمانی، عابدین پور، هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان، ۱۷۵.

۷۹. حافظ ابرو، زبده التواریخ، ۶۶۴/۲.

جامه های زرنگار و پوستین های گران بها بخشید.^{۸۰} از شواهد موجود در منابع همچنین استنباط می شود که علاوه بر کارکنان دولت، دستمزد و اجرت سایر اقشار جامعه نیز گاه به صورت غیر نقدی و با اعطای آثار ارزشمندی چون مصنوعات و آثار هنری پرداخت می شده است. یکی از این شواهد، اقدام امیر علیشیر نوایی در پرداخت اجرت غیر نقدی شامل جامه های صوف اعلا و قباهای قطنی (ابریشمی) به استادان و کارگرانی است که در سال ۹۰۵ ق در تعمیر و بازسازی مسجد جامع هرات شرکت داشتند.^{۸۱}

افزون بر این، وفور جنگ ها و تحولات نظامی رخ داده در این دوره، غنایم جنگی را به یکی از منابع مهم درآمدی حکومت تیموریان بدل نموده بود. در این زمینه نیز دست ساخته های ارزشمند هنرمندان و صنعتگران که بخش عمده ای از این غنایم را به خود اختصاص می دادند، در ایجاد و افزایش درآمدهای دولت سهیم بودند. در این رابطه، لشکرکشی های تیمور به مناطق مختلف منجر به دستیابی وی به بسیاری از این آثار و حتی سازندگان آن ها گردید. از جمله وی پس از فتح مازندران و گشایش قلعه ماهانه سر، اموال زیادی چون جواهر آلات، پارچه ها، ظروف چینی، حلبی و لاجوردی را از آنجا به غنیمت گرفت.^{۸۲} از سوی دیگر با توجه به مطالب پیش گفته در باب اشتغال زایی هنر و صنعت در عرصه های مختلف و به وجود آمدن فرصت های شغلی فراوان در این زمینه، می توان اظهار داشت که تولید و فروش آثار هنری و صنعتی، نه تنها برای حکومت بلکه برای سایر اقشار جامعه نظیر تولیدکنندگان، تجار و کسبه بازار نیز درآمدزا بوده است. حتی این درآمدزایی و سودآوری توجه برخی از فرق صوفیه را به تولید و فروش این آثار معطوف نمود. فعالیت های درویشان فرقه کازرونیه در شیراز در زمینه تولید و فروش نسخ خطی از موارد قابل ذکر در این خصوص است.^{۸۳}

نتیجه گیری

در تحقیق حاضر به بررسی ظرفیت های اقتصادی هنر و صنایع دستی دوره تیموری از زاویه مؤلفه های تولید، تجارت، اشتغال و درآمدزایی پرداخته شد. نتایج تحقیق، بر جایگاه مهم و اثرگذار این بخش بر دیگر بخش های اقتصادی اشاره دارد. گستردگی، تنوع و تعدد مراکز و کانون های تولید و عرضه آثار هنری و صنایع دستی، از مراکز خرده پا و فردی تا کارگاه های گروهی، دارالصنائع، بازارها و کتابخانه های سلطنتی، مؤید وجود بسترهای عمرانی و اجتماعی مناسب برای تحقق این مدعاست.

۸۰. شامی، ظفرنامه، ۱۱۷.

۸۱. خواندمیر، مکارم الاخلاق، ۱۰۰.

۸۲. مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ۳۰۹.

۸۳. کنای، هنر و معماری صفویه، ترجمه مزدا موحد، ۸۷.

در شبکه روابط اقتصادی این دوره، نواحی مختلف قلمرو تیموریان، نقش‌های متفاوت و مکملی در رشد مؤلفه‌های ذکر شده، داشتند. چنان‌که شهرهای اصفهان، یزد، شیراز، هرات، سمرقند و سلطانیه، عمدتاً به‌عنوان تولیدکنندگان آثار و شهرهایی نظیر گیلان و مازندران غالباً تهیه‌کنندگان مواد خامی مانند ابریشم برای تولید آثار هنری و صنایع دستی بودند. تبادلات داخلی و بین شهری آثار هنری، همچنین معلول رونق اقتصاد محلی هنر و صنایع دستی بود. پیوند نام و شهرت ناحیه یا شهری خاص با نام یک یا چند رشته و اثر هنری و صنایع دستی از عوامل و نمودهای پویایی اقتصاد محلی به شمار می‌رفت.

جایگزینی تولید یا ساخت آثار به جای خام‌فروشی محصولات کشاورزی نظیر ابریشم، محصولات دامی نظیر پوست و مواد معدنی نظیر سنگ‌های قیمتی از دیگر ظرفیت‌های اقتصادی آثار هنری و صنایع دستی در این زمان است. به عبارتی آثار هنری و صنایع دستی، از محصولات مهم تولیدی یا غیر خام برای عرضه در بازارهای جهانی بودند و به همین سبب هنرمندان و صنعتگران این دوره نقش محوری در رشد اقتصاد مبتنی بر تولید به وسیله تجارت آثار تولید شده داشتند. این مهم با بررسی و شناخت تأمین و تکمیل زنجیره تولید محصولات هنری و صنایع دستی قابل تبیین است. به‌عنوان مثال ابریشم خام گیلان زمانی که در قامت منسوجات ابریشمی یزد و هرات عرضه می‌شد؛ مسبب رونق بخش‌های کشاورزی، دامپروری، حمل‌ونقل، نگهداری، ریسندگی و بافندگی، طراحی و تولید شده و برآیند این زنجیره اقتصادی، افزایش اشتغال و درآمدزایی بود.

فروش و صدور تولیدات هنری و صنایع دستی در بستر شاهراه‌های تجارت جهانی ابریشم و ادویه به مقاصد جهانی در این زمان، حکایت از این مدعا دارد. آسیا، شرق مدیترانه، اروپا و شمال آفریقا مقاصد این تولیدات بودند. این مهم، انگیزه اقتصادی دولتمردان تیموری و صاحبان ثروت را در جهت تأمین امنیت راه‌ها، ساخت و تجهیز کاروانسراها و راه‌های تجاری داخلی متصل به شاهراه‌های تجاری بین‌المللی نظیر مسیر خراسان، کرمان به هرمز از یک‌سو و مسیر سلطانیه، تبریز و عراق عجم به فارس و هرمز از سوی دیگر را دو چندان می‌نمود. مسیرهایی که اهمیت و رونق اقتصادی مناطقی مانند هرمز به‌عنوان نقطه تلاقی تجارت جهانی را به همراه داشت.

افزایش نیروی انسانی صاحب مهارت هنری و صنعتی حکایت از ره‌آورد اجتماعی توجه به اهمیت اقتصادی هنر و صنایع دستی داشت. نیرویی که بعضاً به‌عنوان استادکار، حامیان اقتصادی و هنر دوستانی از دیگر کشورها هم داشتند و یا بالعکس سبب جذب هنرآموزانی از دیگر نقاط می‌شدند. در این رابطه شهرت بعضی از این استادان مانند میرعلی هروی باعث می‌شد تا ساخته‌های هنری آن‌ها به قیمت‌های گزاف در کشورها و مناطقی مانند عثمانی به فروش برسد و حتی آثاری را با نام و نشان جعلی این استادکاران تولید و

عرضه کنند. وجود اسناد هنری حاوی مطالبی در باب سلسله مراتب هنرمندان، از استادکاران تا کارگران ساده، همراه با ذکر میزان دستمزد و القاب خاص، از دیگر شواهد موجود در مورد ظرفیت های اجتماعی و اقتصادی هنر و صنایع دستی در عصر تیموری است.

تولیدات هنری و صنایع دستی این دوره زمینه اشتغال در سه بخش آموزشی، کارگاهی (تولیدی) و تجاری را ایجاد کردند. اشتغالی که منحصر و محدود به این بخش ها نبوده و به دلیل ارتباط با سایر بخش های اقتصادی از جمله بخش کشاورزی، دامداری، حمل و نقل، معادن و خدمات، ضمن ایجاد اشتغال در این زمینه ها، نقش محوری در افزایش درآمد و تامین مالی در شرایط بی ثبات سیاسی داشت. رشته های هنری مانند معماری بستر و محرکی برای سایر فعالیت های مرتبط، از تهیه مواد و مصالح اولیه تا عرضه محصول به شمار می رفتند و بعد از مشاغل دیوانی و نظامی، در اولویت عوامل ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی قرار داشتند. این در حالی بود که در شرایط ایجاد نوآوری های هنری نظیر ابداع کاشی معرق و کاشی هفت رنگ، خط نستعلیق و سبک های نقاشی، بی شک اهمیت و میزان اشتغال در این بخش دوچندان می شد.

به این ترتیب فعالیت ها و تولیدات هنری و صنایع دستی را به واسطه تحرک بخشی به سایر بخش های تولیدی، تجاری و اقتصادی می توان به عنوان یکی از محورهای اقتصاد عصر تیموری قلمداد نمود. محوریتی که به انضمام درآمد مالیاتی نسبتاً بالای حاصل از تولید، توزیع و تجارت آثار هنری و صنایع دستی، حکومت را به دخالت مستقیم و غیر مستقیم در نظارت و حمایت فعالیت های هنری وامی داشت. چنان که مالیات بر صناعت و تجارت یعنی تمغا، درآمدزاترین نوع مالیات در این دوره به شمار آمده و هنرمندان و صنعتگران عهده دار پرداخت بخشی از آن به شمار می رفتند. این نوع مالیات گاهی بر دیگر انواع مالیات ها ارجحیت داشت؛ به طوری که شاهدادگانی نظیر الغ بیگ مالیات ارضی را در مقایسه با آن کم ارزش می دانستند.

فهرست منابع

- آژند، یعقوب. پیشگامان نگارگری و نستعلیق. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- ابن عربشاه، شهاب الدین ابوالعباس احمد. عجایب المقدور. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
- السلمانی، تاج الدین. شمس الحسن. ترجمه هانس روبرت رومر. آلمان: هیأت مستشرقین فرهنگستان ماینتس، ۱۹۵۵.

اوکین، برنارد. معماری تیموری در خراسان. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶.
باربارو، جوزافا و کاترینو زنو و دیگران. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹.

بلوم، جان‌اتان و شیلا بلر. هنر و معماری اسلامی. ترجمه یعقوب آژند. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۱.
بوات، لوسین. تاریخ مغول تیموریان. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: آزاد مهر، ۱۳۸۳.
بیکر، پاتریشیا. منسوجات اسلامی. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵.
پوپ، آرتور آپهام. سیر و صور نقاشی ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی، ۱۳۷۷.
تاجبخش، احمد. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران (از اسلام تا صفویه). شیراز: نوید، ۱۳۸۱.
تاکستن و دیگران. تیموریان. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی، ۱۳۸۴.
جامی، نورالدین عبدالرحمن. مثنوی هفت اورنگ. به تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: مهتاب، ۱۳۷۵.
جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. تاریخ جعفری (بخش تاریخ اولاد تیمور). به تصحیح عباس زریاب خویی. قم: مورخ، ۱۳۹۳.

جکسون، پیترو و لورنس لاکهارت. تاریخ ایران کمبریج. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب، ۱۳۹۰.
جوینی، علاءالدین عطاملک. تاریخ جهانگشای جوینی. به تصحیح محمد قزوینی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۵.
حاجیان‌پور، حمید و مجتبی جواک. «بررسی اقتصاد شهری یزد در دوره تیموریان». پژوهش‌های علوم تاریخی ۱۰، ش. ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۷): ۱-۱۷.

<https://doi.org/10.22059/jhss.2018.263656.473021>

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. ذیل ظفرنامه شامی. به تصحیح بهمن کریمی. تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری، ۱۳۲۸.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. زبده التواریخ. به تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی. تهران: نشر نی و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

حسینی تربتی، ابوطالب. تزوکیات تیموری. تهران: کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۲.
خوافی، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد. منشأ الانشاء. به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ. ایران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. دستور الوزراء. تهران: اقبال، ۱۳۱۷.
خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. مآثر الملوک. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: رسا، ۱۳۷۲.
خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. مکارم الاخلاق. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
دانی، احمد حسن. میراث تیمور. ترجمه محمد مهدی توسلی. پاکستان: اس. تی. پرنترز راولپندی، ۱۳۷۸.

دهخدا، علی اکبر. «اطلس». در لغت نامه. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
دین پرست، ولی. «کانون های تجارت ابریشم ایران در دوره تیموریان و ترکمانان». تاریخ اسلام و ایران ۲۱، ش. ۱۱.
(پاییز ۱۳۹۰): ۱-۲۴.

<https://doi.org/10.22051/hii.2013.654>

رابینسن، بزیل ویلیام. هنر نگارگری ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولى، ۱۳۷۶.
رویمر، هانس روبرت. ایران در راه عصر جدید. ترجمه آذر آهنچی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
زکی محمد حسن. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام. ترجمه محمد علی خلیلی. تهران: اقبال، ۱۳۶۳.
زمجی اسفزاری، معین الدین. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
سمائی، معصومه؛ الهیاری، فریدون و اصغر فروغی. «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان». تاریخ اسلام و ایران، ش. ۲۹ (بهار ۱۳۹۵): ۸۱-۱۰۶.

<https://doi.org/10.22051/hii.2016.2228>

سمائی، معصومه؛ عابدین پور، وحید و فریدون الهیاری. «تبیین موقعیت ناهمگون هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان». پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، ش. ۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۵): ۹۳-۱۱۶.

<https://doi.org/10.22111/jhr.2016.2801>

سمائی، معصومه و وحید عابدین پور. هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۹۵.

سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. مطلع السعدین و مجمع البحرین. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

سودآور، ابوالعلاء. هنر دربارهای ایران. ترجمه ناهید شمیرانی. تهران: کارنگ، ۱۳۸۰.
شامی، نظام الدین. ظفرنامه. به کوشش پناهی سمنانی. تهران: بامداد، ۱۳۶۳.
عابدین پور، وحید؛ الهیاری، فریدون و معصومه سمنانی. «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری». تاریخ و فرهنگ، ش. ۸۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۱۴۱-۱۷۰.

<https://doi.org/10.22067/history.v0i0.11752>

عالی افندی، مصطفی. مناقب هنروران. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: سروش، ۱۳۶۹.
فدایی، مریم. «بررسی آثار قرآنی دوره تیموری». کتاب ماه هنر، ش. ۷۰-۶۹ (خرداد و تیر ۱۳۸۳): ۵۰-۵۶.
فرحناکی، شهرام. «وضعیت صنعت در خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان». خراسان بزرگ ۸، ش. ۲۷ (تابستان ۱۳۹۶): ۶۷-۸۲.

کاتب، احمد بن حسین بن علی. تاریخ جدید یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.

کاوتس، رالف و رودریش پتاک. هرمز در منابع دوره‌های یوآن و مینگ. ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳.

کاوسی، ولی‌الله. تیغ و تنبور. تهران: مؤسسه تألیف و نشر آثار هنری متن، ۱۳۸۹.

کلایخو، گنزالز. سفرنامه. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.

کنبای، شیلا. نگارگری ایرانی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۰.

کنبای، شیلا. هنر و معماری صفویه. ترجمه مزدا موحد. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری، ۱۳۸۸.

گلمبک، لیزا و دونالد ویلبر. معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.

لمبتن، آن. تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نی، ۱۳۷۲.

مایل هروی، نجیب. کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

مرعشی، ظهیرالدین. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به تصحیح عباس شایان. تهران: بی‌نا، ۱۳۳۳.

مستوفی بافتی، محمد مفید. جامع مفیدی. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.

مشیری، مهشید. «دیبا». در فرهنگ زبان فارسی، تهران: سروش، ۱۳۶۹.

منز، بناتریس فوربز. قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان. ترجمه حسن اسدی. تهران: مولی، ۱۳۹۱.

منشی قمی، قاضی میراحمد. گلستان هنر. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: منوچهری، ۱۳۵۹.

میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود. روضه الصفا. تلخیص عباس زریاب. تهران: علمی، ۱۳۷۳.

نطنزی، معین‌الدین. منتخب‌التواریخ. به تصحیح ژان اوبن. تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۳۶.

نظام‌قاری، مولانا محمود. دیوان البسه. به اهتمام محمد مشیری. تهران: شرکت مترجمان و مؤلفان ایران، ۱۳۵۹.

نظامی باخزری، عبدالواسع. مقامات جامی. به تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: نی، ۱۳۷۱.

نوایی، امیرعلیشیر. مجالس النفایس. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: کتابخانه منوچهری، ۱۳۵۶.

وارد، ریچارد. فلزکاری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴.

واصفی، زین‌الدین محمود. بدایع الوقایع. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

یزدی، شرف‌الدین علی. ظفرنامه. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

Barbosa, Duarte. *A description of the coast of Africa and Malabar*. translated by Henry and Stanley. London: 1966.

Pires, Tome. *The sama oriental of Tome Pires*. translated by Arminda Cortesao, London: Hakluyt society, 1944.

Transliterated Bibliography

‘Ābidīnpūr, Vaḥid; Allāhyārī, Farīdūn; Samā’ī, Ma’sūmah. “Jāyghāh Khvushnivīsī va Khvushnivīsān dar Jāmi‘ah-yi Aṣr Tiymūrī”. *Tārīkh va Farhang*, no. 84 (spring and summer 2011/1389): 141-170.

Ali Efendi, Mustafa. *Manāqib-i Hunarvarān*. translated by Tawfiq Subḥānī. Tehran: Surūsh, 1990/1369.

al-Salmānī, Tāj al-Dīn. *Shams al-Ḥusn*. translated by Hans Robert Roemer. German: Hiyat Mustashriqīn Farhangistān Mainz, 1955/1333.

Āzhand, Ya’qūb. *Pishgāmān-i Nigārgarī va Nasta’liq*. Tehran: Amīr Kabīr, 2007/1386.

Baker, Patricia. *Mansūjāt Islāmī*. translated by Mahnāz Shāyistihfar. Tehran: Mū’assisa-yi Muṭālī‘āt-i Hunar-i Islāmī, 2006/1385.

Barbaro, Giosofat va Caterino Zeno et al. *Safarnāmāh-hā-yi Viniziyyān dar Irān*. translated by Manūchihr Amīrī. Tehran: Khārazmī, 1971/1349.

Bloom, Jonathan va Sheila Blair. *Hunar va Mi‘mārī Islāmī*. translated by Ya’qūb Āzhand. Tehran: Farhangistān-i Hunar, 2002/1381.

Bouvat, Lucien. *Tārīkh Mughūl Tiymūriyān*. translated by Maḥmūd Bihfurūzī. Tehran: Āzād Mihr, 2005/1383.

Canby, Sheila. *Hunar va Mi‘mārī Ṣafaviyah*. translated by Mazdā Muvahid. Tehran: Mū’assisa-yi Ta’līf, Tarjumah va Nashr Aṣār-i Hunarī, 2009/1388.

Canby, Sheila. *Nigārgarī Irānī*. translated by Mahnāz Shāyistihfar. Tehran: Mū’assisa-yi Muṭālī‘āt-i Hunar-i Islāmī, 2001/1380.

Clavijo, Gonzalez. *Safarnāmāh*. translated by Mas’ūd Rajabnīyā. Tehran: ‘Ilmī va Farhangī, 1987/1366.

Dani, Ahmad Hasan. *Mirās Tiymūr*. translated by Muḥammad Mahdī Tavasulī. Pākistān: S.T. Rawalpindi, 2000/1378.

Dihkhudā, ‘Alī Akbar. “Aṭlas”. *Lughat Nāmāh*. Tehran: Mū’assisa Intishārāt va Chāp University of Tehran, 1998/1377.

Dīnparast, Valī. “Kānūn-hā-yi Tijārat Abrīsham Irān da Dawrah-yi Tiymūriyān va Turkamānān.” *Tārīkh Islām va Irān* 21, no. 11 (autumn 2011/1390): 1-24.

Fadāyī, Maryam. “Barrīsī Āṣār Qurānī Dawrah-yi Tiymūrī”. *Kitāb-i Māh Hunar*. no. 69-70 (Khurdād va Tīr 2004/1383): 50-56.

- Farahnākī, Shahrām. "Vaz'iyat Şan'at dar Khurāsān va Māvarā'al-Nahr dar 'Ahd Tiymūriyān". *Khurāsān Buzurg* 8. no. 27 (summer 2017/1396): 67-82.
- Golombek, Lisa; Donald Wilber. *Mi' mārī Tiymūrī dar Irān va Tūrān*. translated by Karāmat Allāh Afsar va Muḥammad Yūsuf Kiyānī. Tehran: Sāzimān-i Mirās-i Farhangī, 1995/1374.
- Ḥāfiẓ Abrū, 'Abd Allāh ibn Luṭf Allāh. *Ziyl Zafarnāmah-yi Shāmī*. Ed. Bahman Karīmī. Tehran: Bungāh Maṭbū'atī Afshārī. 1950/ 1328.
- Ḥāfiẓ Abrū, 'Abd Allāh ibn Luṭf Allāh. *Zubda al-Tawārikh*. Ed. Sayyid Kamāl Ḥāj Sayyid Javādī. Tehran: Nashr Niy va Sāzimān Chāp va Intishārāt Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, 1993/1372.
- Ḥājīyānpūr, Ḥamīd va Muḥtabā Jūkār. "Barrisī Iqtisād Shahrī Yazd dar Dawrah-yi Tiymūriyān". *Pazhūhishhā-yi 'Ulum Tārikhī* 10, no. 1 (spring and summer 2018/1397): 1-17.
- Ḥusaynī Turbatī, Abū Ṭālib. *Tuzūkāt Tiymūrī*. Tehran: Kitābfurūshī Asadī, 1963/1342.
- Ibn 'Arabshāh, Shahāb al-Dīn Abū al-'Abbās Aḥmad. *'Ajāib al-Maqdūr*. translated by Muḥammad 'Alī Najātī. Tehran: Bungāh-i Tarjumah va Nashr-i Kitāb, 1977/1356.
- Jackson, Peter va Laurence Lockhart. *Tārikh-i Irān Cambridge*. translated by Tiymūr Qādirī. Tehran: Mahtāb, 2012/1390.
- Ja'fārī, Ja'far ibn Muḥammad ibn Ḥasan. *Tārikh Ja'fārī (Bakhsh Tārikh Awlād Tiymūr)*. ed. 'Abbās Zaryāb Khū'i. Qum: Muwarakh, 2015/1393.
- Jāmī, Nūr al-Dīn 'Abd al-Raḥmān. *Maṣnavī Haft awrang*. ed. Murtaẓā Mudarris Gilānī. Tehran: Mahtāb, 1996/1375.
- Juvaynī, 'Alā' al-Dīn 'Aṭā' Malik. *Tārikh-i Jahāngushā-yi Juvaynī*. ed. Muḥammad Qazvīnī. Tehran: Dunyā-yi Kitāb, 2007/1385.
- Kātib, Aḥmad ibn Ḥusayn ibn 'Alī. *Tārikh Jadīd Yazd*. researched by Iraj Afshār. Tehran: Amīr Kabīr, 1996/1375.
- Kauz, Ralph va Roderich Pitak. *Hurmuz dar Manābi' Durīh-hā-yi Yān va Mīng*. translated by Mihrdād Vaḥdatī. Tehran: Markhaz-i Nashr-i Dānishgāhī, 2005/1383.
- Kāvūsī, Valī Allāh. *Tigh va Tanbūr*. Tehran: Mu'assisa-yi Ta'lif va Nashr Aṣār-i Hunarī Matn, 2010/1389.
- Khavāfī, Shahāb al-Dīn Abū al-Qāsim Aḥmad. *Manshā' al-Inshā'*. researched by Rukn al-Dīn Humāyūnfarrukh. Irān: Dānishgāh Millī Irān, 1978/1357.

- Khvāndmīr, Ghiyās al-Dīn ibn Humām al-Dīn. *Dastūr al-Vuzarāʾ*. Tehran: Iqbāl, 1939/1317.
- Khvāndmīr, Ghiyās al-Dīn ibn Humām al-Dīn. *Māʾāsir al-Mulūk*. ed. Mir Hāshim Muḥaddiṣ Tehran: Rasā, 1993/1372.
- Khvāndmīr, Ghiyās al-Dīn ibn Humām al-Dīn. *Makārim al-Akhlāq*. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān Quds Raʿzavī, 1996/ 1374.
- Lambton, Ann. *Tadāvuṃ va Taḥavvul dar Tāriḫ Miyānah-yi Irān*. translated by Yaʿqūb Āzhand. Tehran: Niy, 1994/1372.
- Manz, Beatrice Forbes. *Qudrat, Siyāsāt va Mazhab dar ʿAṣr Tiymūriyān*. translated by Ḥasan Asadī. Tehran: Mawlā, 2013/1391.
- Marʿashī, Ṣāḥir al-Dīn. *Tāriḫ Ṭabaristān va Ruyān va Māzandarān*. ed. ʿAbbās Shāyān. Tehran, s.n. 1955/1333.
- Māyil Haravī, Najīb. *Kitābārāyī dar Tamadun Islāmī*. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān Quds Raʿzavī, 1994/1372.
- Mīr Khvānd, Muḥammad ibn Khāvandshāh ibn Maḥmūd. *Rawḍa al-Ṣafā*. Talkhiṣ ʿAbbās Zaryāb. Tehran: ʿIlmī, 1995/1373.
- Munshī Qumī, Qāṣi Mīr Aḥmad. *Gulistān Hunar*. ed. Aḥmad Suhaylī Khvānsārī. Tehran: Manūchihri, 1980/1359.
- Mushīrī, Maḥshid. “Dibā”. *Farhang Zabān Fārsī*. Tehran: Surūsh, 1990/1369.
- Mustawfī Bāfqī, Muḥammad Mufid. *Jāmiʿ Mufidī*. researched by Iraj Afshār. Tehran: Asāṭir, 2006/1384.
- Naṭanzī, Muʿīn al-Dīn. *Muntakhab al-Tavāriḫ*. ed. Jean Aubin. Tehran: Kitābfurūshī Khayām, 1957/1336.
- Navāyī, Amīr ʿAlīshir. *Majālis al-Nafāys*. researched by ʿAlī Aṣghar Ḥikmat. Tehran: Kitābkhānah-yi Manūchihri, 1977/1356.
- Nizām Qārī, Mawlānā Maḥmūd. *Divān Albisāh*. researched by Muḥammad Mushīrī. Tehran: Shirkat Mutarjimān va Muʿallifān Irān, 1980/1359.
- Nizāmī Bākhārzi, ʿAbd al-Vāsīʿ. *Maqāmāt Jāmi*. Ed. Najīb Māyil Haravī. Tehran: Niy, 1992/1371.
- Oʻkane, Bernard. *Miʿmārī Tiymūrī dar Khurāsān*. translated by ʿAlī Ākhishīnī. Mashhad: Bunyād-i Pazhuhishhā-yi Islāmī, 2004/1383.
- Pope, Arthur Upham. *Sayr va Ṣuvar Naqāshi Irān*. translated by Yaʿqūb Āzhand. Tehran: Mawlā, 1998/1377.

- Robinson, Basil William. Hunar *Nigārgarī Irān*. translated by Ya'qūb Āzhand. Tehran: Mawlā, 1997/1376.
- Roemer, Hans Robert. *Irān dar Rāh 'Asr Jadīd*. translated by Āzar Āhanchī. Tehran: University of Tehran, 2001/1380.
- Samā'ī, Ma'sūmah; Allāhyārī, Farīdūn; Aṣghar Furūghī. "Barrīsī Jāygāh Ijtimā'ī Hunarmandān va Ṣan'atgarān dar Dawrah-yi Tiymūriyān". *Tārikh Islām va Irān*, no. 29 (Spring 2017/ 1395): 81-106.
- Samā'ī, Ma'sūmah; 'Ābidīnpūr, Vaḥīd. *Hunarmandān va Ṣan'atgarān dar Dawrah-yi Tiymūriyān*. Isfahān: Sāzīmān-i Farhangī Tafriḥī Shahr-dārī-i Isfahān, 2016/1395.
- Samā'ī, Ma'sūmah; 'Ābidīnpūr, Vaḥīd; Allāhyārī, Farīdūn. "Tabyīn Muqīyat Nāhamgūn Hunarmandān va Ṣan'atgarān dar Dawrah-yi Tiymūriyān". *Pazhūhish-hā-yi Tārikhī Irān va Islām*. no. 18 (spring and summer 2016/1395): 93-116.
- Samarqandī, Kamāl al-Dīn 'Abd al-Razzāq. *Maṭla' Sa'dayn va Majma' Baḥrayn*. Ed. 'Abd Ḥusayn Navā'ī. Tehran: Pazhūhishgāh 'Ulum Insānī va Muṭāliā't Farhangī, 2005/1383.
- Shāmī, Nizām al-Dīn. *Ẓafarnāmah*. researched by Panāhī Simnānī. Tehran: Bāmdād, 1984/1363.
- Sūdāvar, Abu-al-'Alā'. Hunar *Darbārḥā-yi Irān*. translated by Nāhid Shimīrānī. Tehran: Kārang, 2001/1380.
- Tājbaksh, Aḥmad. *Tārikh Farhang va Tamadun-i Irān (az Islām tā Ṣafavīyah)*. Shirāz: Navīd, 2002/1381.
- Thackston va et al. *Tiymūriyān*. translated by Ya'qūb Āzhand. Tehran: Maūlā, 2006/1384.
- Ward, Rachel. *Filizkāri Islāmī*. translated by Mahnāz Shāyistihfar. Tehran: Mū'assisa-yi Muṭāli'āt-i Hunar-i Islāmī, 2006/1384.
- Wāṣifī, Zayn al-Dīn Maḥmūd. *Badāyī' al-Waqāyī'*. Tehran: Bunyād-i Farhang-i Irān, 1971/1349.
- Yazdī, Sharaf al-Dīn 'Alī. *Ẓafarnāmah*. ed. 'Abd al-Ḥusayn Navāyī. Tehran: Markaz-i Asnād Majlis-i Shurāy Islāmī, 2008/1387.
- Zakī Muḥammad Ḥasan. *Tārikh Ṣanāyī' Irān bā'd az Islām*. translated by Muḥammad 'Alī Khalīlī. Tehran: Iqbāl, 1986/1365.
- Zamajī Isfizarī, Mu'īn al-Dīn. *Rawḍāt al-Jannāt fī Awṣāf Madīna Harāt*. Tehran: University of Tehran, 1960/1339.